او کسی است که
آرامش را در دل های مومنان نازل کرد
تا ایمانی بر ایمان شان بیفزایند... فتح/۴

ذکر روز پنج شنبه
صدمرتبه
لااله الاالله الملک الحق المبین
ذکر روز جمعه صدمرتبه صلوات

ببار ای شمع اشک از چشم خونین
که شد سوز دلت بر خلق روشن
دلم را مشکن و در پا میانداز
که دارد در سر زلف تو مسکن
حافظ
غزل ۳۸۹

دنیا به روایت تصویر

ای پی ای- پاک کردن ۳۷۵۰ پنجره یک برج در شهر بروکسل، بلژیک

گاردین- ۲ مرد هندی به پرندگان مهاجر یک رودخانه در دهلی نو غذا می دهند

تلگراف- عکاسی از «ابر ماه» در کنار یک فانوس دریایی، ایسلند

نقطه

در محضر بزرگان

اهمیت شروع کارها با بسم ا...

آیت ا... جوادی آملی درباره شروع کارها با ذکر بسم ا... می فرمایند:
«این که به ما گفتند هر کاری که می‌کنید، اوّل بگویید: «بسْم ا... الرَّحْمنِ الرَّحِیم»، این یک قرنطینه است. البته ذکر است، ثواب دارد، این ها سرجایش محفوظ است. هر حرفی می‌خواهیم بزنیم، هر چیزی می‌خواهیم بنویسیم، هر جایی می‌خواهیم برویم، اوّل بگوییم: «بسْم ا... الرَّحْمنِ الرَّحِیم». برای این که کاری که می‌خواهیم بکنیم، حرفی که می‌خواهیم بزنیم، به هر حال یا واجب است یا مستحب، چون اگر حرام یا مکروه باشد که نمی‌شود آن را به نام خدا انجام داد. این یک قرنطینه است که وجود مبارک حضرت امیر(ع) فرمود همیشه مواظب خود باشید؛ می‌خواهید جایی بروید، می‌خواهید حرفی بزنید، می‌خواهید کاری بکنید، انسان باید رویش بشود که بگوید خدایا به نام تو! این یک سفارش خوبی است، این یک مرز خوبی است، فرمود این کار را حتماً بکنید.»
پایگاه اطلاع رسانی اسراء

فتو شعر انتظار

داستانک

سم‌های ذهن ما

دختری ازدواج کرد و به خانه شوهر رفت. ولی هرگز نمی‌توانست با مادر شوهرش کنار بیاید و هر روز با هم جر و بحث می‌کردند. عاقبت یک روز دختر نزد داروسازی رفت که دوست صمیمی پدرش بود و از او تقاضا کرد سمی به او بدهد تا بتواند مادر شوهرش را بکشد! داروساز گفت: اگر سم خطرناکی بدهد و مادر شوهرش کشته شود، همه به او شک خواهند برد. پس معجونی به دختر داد و گفت که هر روز مقداری از آن را در غذای مادر شوهرش بریزد تا سم معجون کم‌کم اثر کند و او را بکشد و توصیه کرد که در این مدت با مادر شوهر مدارا کند تا کسی به او شک نکند. دختر معجون را گرفت و خوشحال به خانه برگشت و هر روز مقداری از آن را در غذای مادر شوهر می‌ریخت و با مهربانی به او می‌داد. هفته‌ها گذشت و با مهر و محبت عروس، اخلاق مادر شوهر هم بهتر و بهتر شد تا آن‌جا که یک روز دختر نزد داروساز رفت و به او گفت: «آقای دکتر عزیز! دیگر از مادر شوهرم متنفر نیستم. حالا او را مانند مادرم دوست دارم و دیگر دلم نمی‌خواهد او بمیرد، خواهش می کنم داروی دیگری به من بدهید تا سم را از بدنش خارج کنم.» داروساز لبخندی زد و گفت: «دخترم! نگران نباش. آن معجونی که به تو دادم، سم نبود بلکه سم در ذهن خود تو بود که حالا با عشق به مادر شوهرت از بین رفته است!»
برگرفته از کتاب «نشان لیاقت عشق»

بریده کتاب

قاضی واقعی کیست؟

تمام سوء تفاهمات ناشی از زبان است، تو می‌بایست درباره افراد از روی اعمالشان قضاوت کنی، نه از روی گفته‌هایشان، همیشه محاکمه خود، از محاکمه دیگران سخت‌تر است. تو اگر توانستی درباره خودت خوب قضاوت کنی، قاضی واقعی هستی.
برگرفته از «شازده کوچولو» اثر آنتوان دوسنت اگزوپری

کاریکلماتور

اندکی صبر

من پیش از تو، پس از تو

پیش از تو
همه را با معیارهایم می سنجیدم
بعد از تو
همه را با تو می سنجم
حتی معیارهایم را ...
مصطفی زاهدی

کله چغوکی

آق کمال قدر زندگی اش را می داند

مو به جز مسود، چند تا دوست صمیمی دگه هم دارُم که زمان دانشجویی با هم رفیق رفتِم. چون دانشگاه یَگ شهر دگه بود، تو خوابگاه با چند نفر هم اتاقی بودم که هنوز که هنوزه بعد از ای همه سال باهم دوستِم. چند روز پیش یکی از بچه ها که رفته بود خارج، برگشته بود و به ای هوا همه دور هم جمع رفتِم. هر کدوم مان یَگ جوری گرفتارم و سرمان شلوغه و درگیر کار و زندگی رفتِم که او سرش ناپیدا. خدا ره شکر مو از بقیه شان خوشبخت تر و روپاتر بودُم.
یکی شان که هرچی داشت و نداشت ره داد به زنش که طلاق گیریفته بود و بدبخت از صفر شروع کرد! همو زمان دانشجویی یادمه همه مان بهش مُگفتِم یَره تو هنوز خُردویی، عقل رس نشدی، صبر کن چهارتا تجربه دستت بیه، بعد برو دنبال عشق و عاشقی. ولی حالیش نرفته بود و هم ترم اول هنوز جوهر کارت دانشجویی اش خشک نشده بود، رفته بود خواستگاری و اونایِم آن چنان مهریه ای براش گذاشته بودن که اگه الان بود هم کمر مِشکوند، چی برسه به او سالا. شیش ماه دووم نیاوردن و شونزده سال طول کیشید تا مهریه ره از دماغش کیشیدن بیرون!
یکی دگه از بچه ها از بس بلندپروازی کرده بود و لقمه گنده تر از دهنش ورداشته بود، هفته پیش به قید وثیقه سند خانه خُسُرش آمده بود بیرون! او یکی دگه مُگفت الان سر بیست و سومین شغل بعد از فارغ التحصیلی شه! از نقشه برداری و نقشه کشی شروع کرده بود، تا فست فود و بوتیک و الان هم مِخواست فروشگاه اینترنتی فروش خِنزر پنزر بزنه! یکی دگه شان ماشالا کارش گیریفته بود و از او بسأز برفوش های بزرگ رفته بود. اسم هر خیابونی که می آوردم مُگفت یَگ ده واحدی توش ساخته. ولی ای بدبخت هم همی جور نشسته بود که یَگ واحد، یَگ واحد بفروشه تا اصل پولش برگرده، با ای بازار خراب! اویَم که رفته بود خارج، مُگفت اونجی با زنش راست راست راه مِره و بابا ننه اش براشان پول تو جیبی مِفرستن که مبادا زن و شو بزنن به سر و کله هم تو غربت!
کله ام باد کرد از درددل های ای بنده های خدا. یَگ دسته گل سر راه گیریفتُم و هم وارد خانه که شدُم، دست عیال ره گیریفتُم و یَگ ماچ آبدار از جفت دست هاش کردُم. خودش که نفهمید بری چیه، ولی مو که مِدنُم اگه ای زن مدیر و مدبر و خانواده دار ره نداشتُم، کلاهُم پس معرکه بود!
آق کمال

نیاز طنزی

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹

* زندگی سلام همراه و یاور گرامی، عیدتون مبارک. در پناه حق زیر سایه رسول مهربانی ها شاد باشید و تندرست.
* کاش به جای خفن استریپ، سه نقطه رو در صفحه بذارین.
امیرحسین صادقی
* احسنت به شما که هر روز ما رو غافلگیر می کنید با بخش ها و مطالب جدیدتون. دور دنیا و عجایب الچیزها عالی بودن، ممنون!
داودلی، قوچان
* چرا بعد از فوت دهقان فداکار شما درباره اش نوشتید؟
* خیلی سپاس بابت پاسخ گویی روان شناس محترم جناب آقای زیبایی، دست شما زندگی سلامی ها هم پربرکت.
* بیشتر از نصف پاسخ های چاپ شده مسابقه چی شده فوق‌العاده مسخره و بی ربط بود. لطفا دقت کنید.
* دی‌روزنامه عزیز؛ یک غلط دستوری در تیتر طنز «عجایب‌الچیزها» مشاهده شده و آن این است که کلمه فارسی چیز «ال» عربی نمی گیرد! ازطرف یک دبیر دستور زبان و ادبیات فارسی
ما و شما: ممنون از دقت شما، ولی همون طور که خودتون گفتین ستون و مطلب طنز بود.
* گاهی صبح ها زودتر از تمام پرندگان پریده ام، از خوابی که تو در آن نبوده ای.
مسعود مجنونپور
* این دوستمون که اسم مستعارش آق کماله فکر کنم فیلم های مرحوم ایرج قادری رو زیاد نگاه می کنه.
ازطرف آقا غلام
آق کمال: خوبه مویم بگم اسم مستعار شما آقا غلامه و فیلم های اصغر فرهادی ره نگاه مکنی؟!
* همسر مهربانم مهدیه جان، تولدت مبارک. ان شاءا... سال دیگه سه نفره تولدت رو جشن بگیریم.
* همسر خوبم اسماعیل، از این که برای رفاه من و سه فرزندمان تمام سعی و تلاشت را می کنی از تو ممنونم و دستانت را می بوسم.
همسرت فاطمه

نمای هوایی از یک اتاق دانشجویی در خوابگاه!
Like Comment

زندگی سلام

شوخی های بامزه با زندگی دانشجویی

* پشیمونی رو تو چشمای استادی دیدم که به دانشجوهاش گفت: حضور و غیاب نمی کنم چون نمی خوام شأن دانشجو رو بیارم پایین. جلسه بعدی اومد دید هیچکی نیومده!
* یه استاد داریم بدجور جوگیره، امروز در حدی جوگیر شده بود که کم مونده بود بگه پرفسور سمیعی هم دانشجوی من بوده!
* نمره دانشجور ابطه مستقیم با کیفیت مراقب سر جلسه داره، نه درسی که می‌خونه!
* مراقب امتحان باید مراقب امتحان باشه، نه مراقب دانشجوها. هیچ کس کار خودش رو انجام نمی ده!
* ۷۵ درصد بدن انسان رو آب تشکیل داده، ولی ۹۰ درصد بدن دانشجو رو روغن مونده فست فود!
* تنها جایی که «ریختن قیمه ها تو ماستا» اشکالی نداره سلف دانشگاه است، چون اگه غیر این باشه احتمال خفگی دانشجو رو تهدید می کنه!
* مشورت فقط اونجاش که کارگر بنا بهت میگه برو دانشگاه، دانشجوی ترم هشت کارشناسی بهت میگه برو سر کار!
* دانشجو کسی است که آخر ترم تصمیم می گیرد از ترم دیگر درس بخواند و اول ترم می گوید «حالا هفته اول که کسی نمی ره دانشگاه»!
Like Comment

حرفه‌ای شدین! آسون نشده!

سلام. چندپیامک داریم باجواب. فعلا!
* ۰۹۱۵۵...۷۴۷: هم «کم آبی» درسته هم «دوآبی»! چون حروف کاف و میم و واو و دال تو بقیه اشتراک نداشت پس احتمال این که هردو درست باشه هست، پس سختگیری نکن!
- یعنی چی؟! نمی فهمم! به اشتراک داشتن چیکار داریم ما! قانون خفن استریپ رو بخون داداش! می گه: کلمه باید «معنادار» باشه! الان «دوآبی» یعنی چی؟! از آماتورها انتظاری نیست ولی شما که ۱۳۱ پیامک داری چرا؟ هان؟!
* ۰۹۳۹۳...۰۷۵: سلام من همیشه روزنامه به دستم نمی رسه ولی وقتایی که می رسه حل می کنم چندتایی هم فرستادم خیلی باحاله. خسته نباشین.
- رضایت تون ما رو بسه. ممنون.
* ۰۹۱۵۳...۱۵۹: اون عزیزی که گفته الان هم در اوجین، یا اوج رویادش نیست یا آسفالت ندیده! یاد خفن هایی که چندساعت ماروردگیر می کردبه خیر.
- حرفه‌ای شدین داداش! آسون نشده!

مسابقه شماره ۲۰۵

1sargarmi.ir

می تونین زیر هر تصویر، یه کلمه معنادار با چاشنی شوخ طبعی بنویسین؟ خب ما این کارو کردیم براتون! فقط هر حرف الفبا رو به یه علامت رمز تبدیل کردیم. تا ساعت ۲۳ به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ سه کلمه رو پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای شما که پاسخ صحیح سه مسابقه پیاپی رو دادین! پاسخ توی ستون «ما و شما»ی بعدی و اطلاعات بیشتر هم توی وب سایت 1sargarmi.ir هست.
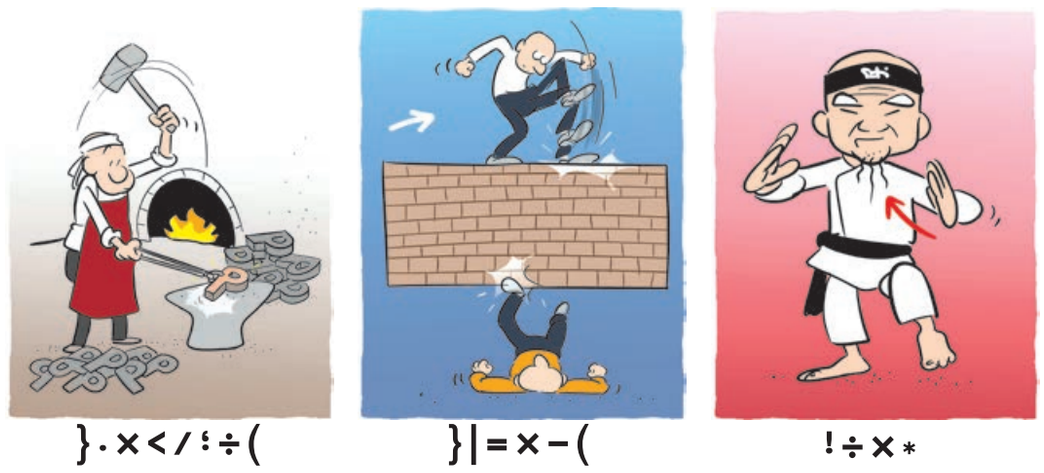
طراح: محمدمهدی رنجبر
تصویرساز: سعید مرادی